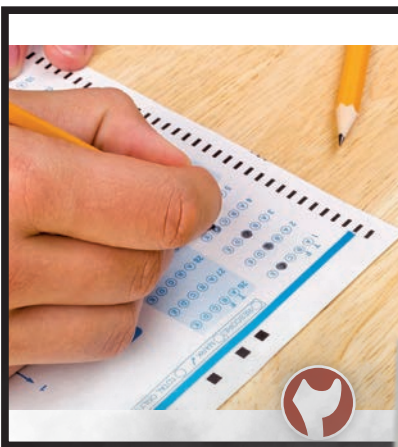




۴ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه
شماره ۴۲۰
www.gudsonline.ir
یکشنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۶ | ۱۴ شوال ۱۴۳۸ | ۹ جولای ۲۰۱۷



نامه‌ات همین الان رسید
**کشاورز،
پسران و
گوسفندان**



آزمون سراسری دانشگاه‌های دیگر
مثل گذشته نیست
**غولی که دیگر
غول نیست**
ار تشی که از فهرست
عجایب جاماند

کودتای

۳۷ سال پیش

در چنین روزی کودتای نوژه کشف و خنثی شد

۳۷ سال پیش در چنین روزی کودتای نوژه کشف و خنثی شد

کاپایانی بدون آغاز

فاطمه نیک | مهم نیست اهل کجای دنیا باشی یا به چه زبانی سخن بگویی، گاه واژه‌هایی هستند که شنیدنتان در هر زبان و کشوری پشت آدم را می‌لرزاند. گاه واژه‌هایی هستند که می‌توانند توی دل هر آدمی را در هر نقطه از دنیا خالی کنند و آن قدر ترسناک هستند که می‌توانند دست و دل همه مادران جهان را بلرزاند؛ چون نقطه مقابل آزادی‌اند، نقطه مقابل شادی، نقطه مقابل عشق و امید. واژه‌هایی مثل جنگ در برابر صلح، مثل بمب در برابر سقف خانه، مثل موشک و مثل توپ و تانک در برابر پوست و گوشت انسان! مثل کودتا در برابر انقلاب! اما همیشه استثنایی هم وجود دارند. بوده‌اند جنگ‌هایی که با شنیدن نامشان دل آدمیزاد گرم می‌شود. بوده‌اند تانک‌هایی که در برابر نوجوانی کم آورده‌اند. بوده‌اند کودتاهایی که از یک ملت رودست خورده و تا شده و به تاریخ پیوسته‌اند. کودتای نوژه یکی از همین واژه‌هاست که قرار بوده در آن با همکاری فرماندهان سابق ارتش شاهنشاهی، نیروهای ساواک، گروه‌های ضد انقلاب، متحدین آمریکا در منطقه و با کمک‌های مالی، نظامی و فنی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را ضربه‌فنی کند و بعدش «بختیار»، آخرین نخست وزیر رژیم شاهنشاهی را به قدرت بازگرداند. اما این کودتا در تاریخ ۱۸ تیرماه سال ۱۳۵۹، یعنی سه روز قبل از وقوع، کشف و خنثی شد.

کودتایی که تکرار نشد

احتمالاً می‌دانید که کودتا یک‌جور خرابکاری نظامی است که معمولاً به‌دست نیروهای داخلی برای براندازی حکومت انجام می‌شود. آن‌طوری که حافظه تاریخی ما ایرانی‌ها به‌خاطر دارد، تا پیش از کودتای نوژه معمولاً کودتا و کودتاچی‌ها در کشورمان پیروز شده و می‌توانستند توی چندروز یا حتی چندساعت مملکت را تصرف کنند. البته آن‌جوری که عاملان کودتای نوژه برنامه‌ریزی کرده بودند، قرار بود این کودتا هم به موفقیت برسد. براساس اعترافات عوامل کودتا، تمامی ابرقدرت‌ها در مورد کودتای نوژه توافق کرده بودند و طرح کودتا، تا آن حد دقیق و حساب‌شده بود که کودتاچی‌ها مطمئن بودند مو لای درز توطئه‌شان نمی‌رود و می‌توانند پس از کسب آمادگی‌های نظامی، مالی و سیاسی، بین مردم نفوذ کرده و از طرف دیگر با انفجار دکل‌های برق، راه‌آهن، پل‌ها، حمله به سربازخانه‌ها و خلاصه هر خرابکاری دیگری که به فکرشان می‌رسید، تلاش کنند تا به‌اندازه کافی در کشور اغتشاش و شورش و خرابکاری راه بیندازند. اما این کودتا سه روز قبل از اجرا لو رفت.



بازیگران پشت پرده

هرچند پس از شکست آمریکا در صحرای طیس، مقامات این کشور به‌طور موقت بی‌خیال عملیات نظامی علیه کشورمان شدند، اما این حادثه باعث نشد تا آمریکا طرح‌های خرابکارانه خود را متوقف کند، بلکه تنها باعث شد آن‌ها شیوه‌شان را عوض کرده و به‌جای دخالت مستقیم نظامی در ایران، به فکر حمایت از دشمنان انقلاب و تحریک آنان و همچنین پشتیبانی از رژیم عراق بفتند. بعضی از کارشناسان کشورمان معتقدند که پس از شکست آمریکا در حمله نظامی به طیس، آن‌ها به فکر این بودند که دو نقشه جدید را شروع کنند؛ نقشه اول، انجام یک کودتای نظامی با هدف سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بود و نقشه دوم هم مربوط می‌شد به تحریک همسایه‌های ایران برای حمله نظامی به ایران و تصرف کشورمان.

احتمالاً می‌دانید که کودتا یک‌جور خرابکاری نظامی است که معمولاً به‌دست نیروهای داخلی برای براندازی حکومت انجام می‌شود

66

کودتا چطور شکست خورد؟

کودتا سه روز قبل از وقوع، به‌علت تردید و نگرانی یکی از عناصر شرکت‌کننده در آن و اطلاع یافتن خانواده او، فاش شد. درست است که آن‌زمان سپاه تا حدودی از انجام کودتا باخبر بود، اما آن‌ها از محل دقیق کودتا خبر نداشتند. ظاهراً همه‌چیز به قلب مردم یک خلبان و درخواست شجاعانه یک مادر در نیمه‌شب تابستانی ختم می‌شد. قلب خلبانی که بعد از شنیدن خبر حمله به خانه امام خمینی (ره) و احتمال کشته شدن پنج‌میلیون نفر از هموطنانش تاب و تحملش را از دست داد و آن قدر پریشان شد که صاحبش را وادار کرد تا همه‌چیز را با خانواده‌اش در میان بگذارد. اصلاً عجیب نیست که خانواده این خلبان مانند بیشتر مردم ایران عاشق امام و انقلاب بودند و بازهم اصلاً عجیب نیست که مادر این خلبان برایش خط و نشان کشید و وادارش کرد تا به نیروهای انقلاب خبر بدهد. اما این‌جای ماجرا عجیب است که این خلبان بعد از ساعت‌ها نگرانی و سردرگمی، تصمیم می‌گیرد به خانه آیت‌الله خامنه‌ای برود، دم دمای سحر ایشان را پیدا کند و همه‌چیز را درمورد کودتا توی حیاط خانه رهبر انقلاب افشا کند.

دشمنی که چهره عوض کرد

به این ترتیب بامداد چهارشنبه ۱۸ تیر ۱۳۵۹ طرح کودتا لو می‌رود. چند ساعت پس از افشای کودتا، یکی از درجه‌داران تیپ نوهد نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می‌کند و یک پاکت دربردارنده بخشی از طرح عملیاتی کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می‌دهد و عملیات ضدکودتا از همین جا آغاز می‌شود. علاوه‌بر افشای این اطلاعات، به‌خاطر مدارک و شواهد گوناگون دیگری که از فعالیت‌های مخالفین نظام به‌دست آمده بود، مسئولان نظام نسبت به وجود توطئه براندازی، حساس شده و ستاد «خنثی‌سازی کودتا» را راه انداختند تا با تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده، آمادگی لازم برای برخورد با توطئه احتمالی و خنثی‌سازی آن را داشته باشند. کودتای نوژه به بهترین نحو خنثی شد، اما دشمنان ایران به فکر اجرای نقشه دوم افتادند و کمی بعد، نیروهای بعث عراق به ایران حمله کردند. درست است که این نقشه هم به‌جایی نرسید، اما دشمنی مخالفان ایران همچنان ادامه دارد و تنها هر چندوقت یک‌بار چهره عوض می‌کند.

آن‌جور که کم‌ابزار اعتراف عوامل کودتا مشخص شده، اگر کودتا لو نمی‌رفت قرار بود طرح عملیاتی حدود ۷۰ نفر از شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی در عرض ۱۲ ساعت دستگیر شوند. عملیات کودتا قرار بود هم‌زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ انجام شود و مکان‌هایی مانند مدرسه فیضیه، جماران (محل زندگی امام خمینی (ره)، کمیته مرکزی، نخست وزیری، محل نماز جمعه و صداوسیما با هواپیماهای جنگی بمباران شود. عوامل کودتا امام خمینی (ره) را بزرگ‌ترین خطر می‌دانستند، به همین خاطر ایشان مهم‌ترین هدف حمله بودند. با آن که منزل ساده امام در منطقه نظامی نبود و هیچ‌گونه استحکام دفاعی خاصی هم نداشت، اما سه فروند هواپیمای فانتوم قرار بود به جماران حمله کنند و آنجا را با بمب‌های خوشه‌ای بمباران کنند. یک موشک هم برای محکم‌کاری درنظر گرفته شده بود. بماند که آن‌ها به بمب‌های خوشه‌ای و آتش‌زا قانع نبودند و تصمیم داشتند بعد از این که نیروی هوایی وارد کار شد و هدف‌های انتخاب‌شده را کوبید، تانک‌ها و نیروهای پیاده وارد عمل شوند.

اگر کودتا کشف نمی‌شد

آن‌جور که از اعتراف عوامل کودتا مشخص شده، اگر کودتا لو نمی‌رفت قرار بود طی عملیاتی حدود ۷۰ نفر از شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی در عرض ۱۲ ساعت دستگیر شوند. عملیات کودتا قرار بود هم‌زمان در تهران و سایر شهرهای بزرگ انجام شود و مکان‌هایی مانند مدرسه فیضیه، جماران (محل زندگی امام خمینی (ره)، کمیته مرکزی، نخست وزیری، محل نماز جمعه و صداوسیما با هواپیماهای جنگی بمباران شود. عوامل کودتا امام خمینی (ره) را بزرگ‌ترین خطر می‌دانستند، به همین خاطر ایشان مهم‌ترین هدف حمله بودند. با آن که منزل ساده امام در منطقه نظامی نبود و هیچ‌گونه استحکام دفاعی خاصی هم نداشت، اما سه فروند هواپیمای فانتوم قرار بود به جماران حمله کنند و آنجا را با بمب‌های خوشه‌ای بمباران کنند. یک موشک هم برای محکم‌کاری درنظر گرفته شده بود. بماند که آن‌ها به بمب‌های خوشه‌ای و آتش‌زا قانع نبودند و تصمیم داشتند بعد از این که نیروی هوایی وارد کار شد و هدف‌های انتخاب‌شده را کوبید، تانک‌ها و نیروهای پیاده وارد عمل شوند.

نقطه‌ضعف بزرگ

انگار به همه‌چیز فکر شده بود. برای برخاستن هواپیماهای جنگنده از پایگاه با عراقی‌ها هماهنگ کرده بودند که با انجام حمله‌ای نمایشی راه را برای آن‌ها باز کنند. با گروهک‌های داخل کشور هماهنگ کرده بودند که بی‌طرف باشند. آن‌قدر خودشان را پیروز می‌دانستند که حتی اعلامیه پس از موفقیت را هم نوشته بودند. حتی سر تحویل قدرت هم دعوا بود و بعضی به این فکر بودند تا بختیار و آمریکایی‌ها را دور بزنند و خودشان قدرت را در دست بگیرند. همه این حساب و کتاب‌ها یک‌معنی داشت؛ این کودتا از لحاظ تاکتیکی یک کودتای پیروز بود، ولی به اعتراف خودشان این کودتا، کودتایی بود که ایدئولوژی نداشت و همین موضوع بزرگ‌ترین نقطه‌ضعف‌شان شد، آن هم در برابر مردمی که انقلابشان را به‌خاطر عقیده و ایدئولوژی به‌دست آورده بودند. آخر هم همین نقطه‌ضعف باعث شکستشان شد.



کمدی ایستاده

استندآپ کمدی که در زبان فارسی گاهی معادل کمدی ایستاده تعریف شده است، مدلی از اجراست که در آن هنرمند بدون هیچ واسطه‌ای با تماشاگر در صحنه ارتباط برقرار می‌کند و سعی دارد بدون کمک گرفتن از هیچ وسیله خاص یا بازیگر دیگری با مردم حرف بزند. کمدین در این مدل اجرا سعی می‌کند بیش از آن که برای مخاطبش داستان طنز فرد دیگری را تعریف کند و مانند بسیاری از ما که در ابتدای لطیفه‌مان می‌گوییم: «یکروز یک مرده رفت...» ترجیح می‌دهد، خودش را در میان یک اتفاق و یک شوخی قرار دهد تا بتواند از این روش استفاده کند و حس همذات‌پنداری مخاطب را بیشتر تحریک کند؛ یعنی مخاطب خود را در آن موقعیت به‌جای کمدین قرار دهد. فکرش را بکشد که یک کمدین، داستان اتفاقی از زندگی خودش را تعریف می‌کند که تا قبل از آن شما نیز فکر می‌کردید آن اتفاق خنده‌دار تنها برای شما صورت گرفته است. اولین واکنش‌تان پس از تعریف داستانی که روزانه خودتان با آن درگیر هستید از زبان یک فرد بر روی سن، یک خنده بلند است. تنها کافی است بدانید که مثلاً نگاه کردن به شیشه نوشابه بعد از هربار نوشیدن آن، یک عادت متداول در بین مردم است که از زبان کمدین روایت می‌شود.



از کجا آمده؟

احتمالاً الان که کمی با خودتان فکر می‌کنید، به این نتیجه رسیده‌اید که استندآپ کمدی آن قدرها هم اتفاق پیچیده‌ای نیست. شاید بسیاری از ما در طول روز دقایق زیادی را به این کار می‌پردازیم و درست همان لحظه که در مدرسه یا دانشگاه خود در حال تعریف کردن یک داستان طنز که تماشاگر آن بوده‌ایم یا برای خودمان اتفاق افتاده، هستیم؛ ما نیز در نقش یک کمدین عمل می‌کنیم. قدمت این مدل اجرا به سال‌های بسیار دور زندگی انسان می‌رسد. کارناوال‌های شادی خیابانی کشور انگلستان یا افرادی که در کنار پادشاهان گذشته کشورها به‌عنوان دلچسب حضور داشتند، از نمونه‌های تاریخی استندآپ کمدی محسوب می‌شوند. پس اگر فکر کرده‌اید برنامه خندوانه در حال استفاده از مدل اجرای کمدی مدرنی است، سخت در اشتباه هستید. در کشور خودمان مرحوم «هنوچهر نوذری» نیز روزگاری در صدا و سیما به اجرای کمدی ایستاده پرداخته است، ولی شاید باید نقطه شروع این مدل اجرا به‌صورت فراگیرتر در ایران را به اوایل دهه ۸۰ و اجراهای «حمید ماهی‌صفت» نسبت داد، کسی که بعدها به‌دلیل شباهت فراوان به بازیگر نقش «مستر بین» با نام «مستر بین ایرانی» شناخته شد.

خدا حافظی با قهرمان

فیلم ابرقهرمانی «انتقام‌جویان: جنگ بی‌نهایت» که از ۴ مه ۲۰۱۸ اکران می‌شود، با یک رارقم خواهد زد. «جنگ بی‌نهایت» به کارگردانی برادران روسو مقابل دوربین رفته است و دنیال «انتقام‌جویان: عصر اولتران» به‌شمار می‌رود. همزمان، حضور کریس ایونز در فیلم چهارم «انتقام‌جویان: رئیس استودیوی مارول»، یکی از خطوط داستانی دنباله بعدی دربرگیرنده سرگذشت شخصیت «کاپیتان سومین فیلم «انتقام‌جویان» را باید مهر پایانی بر سر نوشت بعضی از محافظان قدیمی و ظهور شخصیت‌های با این حال هنوز به‌طور قطعی مشخص نیست که هواداران جهان سینمایی مارول باید خودشان را آماده محبوب این قصه‌های مصور کنند. از آن جایی که تعدادی از شخصیت‌های جدیدتر قرار است به این سبک با نگاهی‌بان کبکشان، احتمال می‌رود تغییرات اساسی در انتظار گروه اصلی انتقام‌جویان شامل مر

لاتاری مهدویان

محمدحسین مهدویان که فیلم‌هایش در دو دوره پی‌درپی جشنواره فیلم فجر مو اوایل امسال نگارش فیلم‌نامه جدید خود را به‌همراه ابراهیم امینی آغاز کرده است، مهد گفته بود که فیلم‌نامه جدیدش در ژانر اجتماعی است و با سایر کارهایش تفاوت بسیاری دارد. در صفحه اینستاگرام خود از نام جدیدترین فیلم‌نامه خود رونمایی کرد: «لاتاری». فیلم‌نامه «لا پروانه ساخت است و کارگردان «ماجرای نیمروز» قصد دارد امسال این فیلم را در جشنواره فجر فیلم مهدویان خواهد بود که با موضوع اجتماعی جلوی دوربین خواهد رفت. او پیش‌تر سه زمستان، «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز» را با محوریت موضوعات سیاسی و تاریخی توجه منتقدان و مخاطبان فیلم‌های سینمایی قرار گرفته بودند.



آزمون سراسری دانشگاه‌ها دیگر مثل گذشته نیست

غولی که دیگر غول نیست

آزمون سراسری ۱۳۹۶ صبح پنج‌شنبه ۱۵ تیر و جمعه ۱۶ تیر در سراسر کشور برگزار شد. در آزمون امسال ۹۳۰ هزار و ۲۰۸ داوطلب ثبت‌نام کرده بودند. در بسته خبری امروز نگاهی به آمار و ارقام و حاشیه‌های جالب کنکور ۹۶ داریم.

آمار و ارقام درمورد کنکور ۹۶ چه می‌گویند؟

امسال حدود ۹۰۰ هزار نفر در کنکور شرکت کردند که از این تعداد ۵۴۸ هزار و ۴۳۴ نفر زن و ۳۸۱ هزار و ۷۷۴ نفر مرد هستند. امسال نیز خانم‌ها مثل همیشه حضور پررنگ‌تری توی کنکور داشتند. شاید این یک خبر بد برای دانش‌آموزان علاقه‌مند به گروه علوم تجربی باشد که امسال نیز همانند سال‌های گذشته تعداد بالایی از کنکوری‌ها بخت خود را در گروه تجربی آزمایش کردند. آن‌طوری که آمار و ارقام می‌گوید، ۶۲ درصد کل داوطلبان امسال متعلق به گروه آزمایشی تجربی بوده است. در گروه آزمایشی علوم ریاضی ۳۴۸ هزار نفر، در گروه آزمایشی هنر ۱۰ هزار و ۶۷۵ نفر و در گروه آزمایشی زبان ۶ هزار و ۲۶۸ نفر شرکت کردند. همچنین در گروه آزمایشی علوم انسانی ۱۸۴ هزار و ۳۹۵ داوطلب با هم به رقابت پرداختند. نکته جالب دیگر در مورد کنکور ۹۶ این بود که به گفته آمار و ارقام، امسال داوطلبان کنکور کمتر از سال گذشته بوده‌اند. البته این ماجرا فقط مربوط به امسال نیست و ظاهراً چند سالی می‌شود که توجه به کنکور کمتر شده و هر سال از تعداد داوطلبانی که می‌خواهند به جنگ غول کنکور رفته و آن را شکست بدهند، کم می‌شود.

بر اساس آمار، داوطلبان کنکور از یک میلیون و ۴۰۱ هزار و ۳۵۲ نفر در سال ۱۳۸۷ به ۹۳۰ هزار و ۲۰۸ نفر رسیده است. البته به نظر ما این خبر خیلی هم بد نیست و نشان از توجه جوانان و نوجوانان به تجربه‌کردن مسیر دیگری جز درس‌خواندن دارد. تازه به احتمال زیاد با ادامه این روند، کنکور هم یاد بگیرد که خودش را برای ما جوان‌ها و نوجوان‌ها کمتر بگیرد و به دنبال راه‌هایی مثل آسان‌کردن سؤالات یا برطرف‌کردن سایر معایبش بیفتد، بلکه توی دل بچه‌ها مجدد جایی پیدا کرده و به سال‌های اوجش برگردد. البته بماند که به گفته کارشناسان، سؤالات کنکور امسال از سال‌های گذشته آسان‌تر بوده است.

حاشیه‌های بزرگ‌ترین مبارزه علمی کشور

آزمون سراسری سال ۹۶ در ۳۷۲ شهر و ۲۳ کشور با ۲۷ حوزه برگزار شده است، تاکنون تخلفی از برگزاری این آزمون گزارش نشده است. برگزاری کنکور با این حجم گسترده همیشه حاشیه‌های بازره‌ای دارد. یکی از نکات جالب کنکور امسال شرکت پیرمردی ۸۶ ساله بود. ظاهراً ایشان علاقه‌مند به ادبیات بوده و برای همین در گروه علوم انسانی

نگران قبولی نباشید

نتایج آزمون کنکور می‌تواند نقش مؤثری بر سرنوشت دانش‌آموزان داشته باشد. به همین خاطر به جز بچه‌ها، معمولاً خانواده‌های دانش‌آموزان نیز همراه آن‌ها درگیر مسائل و مشکلات کنکور هستند. روز کنکور بسیاری از خانواده‌ها در محل حوزه‌ها حاضر می‌شوند تا قوت قلب فرزندان خود باشند. امسال هم تصاویر زیادی از والدینی که پشت درهای کنکور مشغول خواندن دعا و نذر و نیاز بودند تا به هر شکل به فرزندانشان کمک کنند، مورد توجه عکاسان قرار گرفت. بهتر است نگران نتایج نباشید زیرا به گفته رئیس سازمان سنجش، از ۲ سال گذشته بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی و همچنین قانون شورای سنجش و پذیرش سوابق تحصیلی، سوابق دوران دیپلم تا ۲۵ درصد و ۵ درصد نیز دوره پیش‌دانشگاهی در آزمون سراسری کنکور تأثیر مثبت خواهد داشت و اگر در بررسی‌ها نمره داوطلبی با تأثیر این سوابق پایین‌تر بیاید آن را اعمال نخواهند کرد. بر اساس آماری که تاکنون منتشر شده است، تقریباً ۷۴۰ هزار نفر در آزمون پذیرفته خواهند شد که البته به گفته مسئولان، مطمئناً میزان پذیرش افزایش می‌یابد ولی کاهش پیدا نمی‌کند. یادتان باشد که کلید سؤالات از امروز یکشنبه روی سایت قرار می‌گیرد. در پایان، ما هشتی‌ها برای همه کنکور‌ها آرزوی موفقیت می‌کنیم.

خبر فوری

ارتشی که از فهرست عجایب جاماند

نمی‌دانیم تا به حال لشکر سفالی مشهور در کشور چین را دیده‌اید یا نه؟ به‌تازگی اعلام شده است که بسیاری از کارشناسان معتقدند که مجسمه‌های سفالی ارتش تراکوتا متعلق به دوران امپراتوری شی‌هوان باید جزو عجایب جهان باشند زیرا چهره هیچ‌کدام از ۸ هزار مجسمه این ارتش سفالی شبیه به هم نیست.



واقعاً جزو عجایب هست

ایرنا

بو کردن غذا باعث چاقی می‌شود

اگر نگران اضافه‌وزن هستید و دوست دارید یک‌جوری مانع چاق‌شدنتان شوید، ما یک خبر خوب برایتان داریم. به‌تازگی محققان دانشگاه برکلی کالیفرنیا کشف کرده‌اند که بوی مواد غذا تأثیر مهمی بر روی جذب کالری توسط بدن دارد. ساده‌اش این می‌شود که غذا را بو نکنید چون بو کردن غذا باعث چاقی می‌شود.



بو کردن دیکه پدراجان

ایسنا

ناخن دراز نشان باکلاسی چینی‌های قدیم

ظاهراً از قدیم مریضی پز دادن وجود داشته و مردم برای اینکه نشان دهند خیلی باکلاس هستند، دست به کارهای عجیب و غریب می‌زدند. مثلاً در امپراطوری چین آدم‌های مرفه و پولدار برای اینکه ثابت کنند که از طبقه پولدار و مرفه هستند، ناخن‌های خود را کوتاه نمی‌کردند تا نشان دهند هیچ کاری در زندگی انجام نداده و دست به سیاه و سفید نمی‌زدند.



مد نشا دورانه

فیلم‌های سینمایی چقدر می‌فروشند؟

فعالنهنگ‌عنبر از همه جلوتر است

«فروش نهنگ عنبر ۲» از مرز ۱۶ میلیارد تومان گذشت تا این فیلم بتواند «خوب، بد، جلف» را در جدول فروش پشت‌سر بگذارد و پشت‌سر «گشت ۲» قرار بگیرد. با این اوصاف سه فیلم پرفروش سال ۱۳۹۶ را سه فیلم کم‌دی تشکیل می‌دهند که روی همدیگر تقریباً ۵۲ میلیارد تومان فروش داشته‌اند.



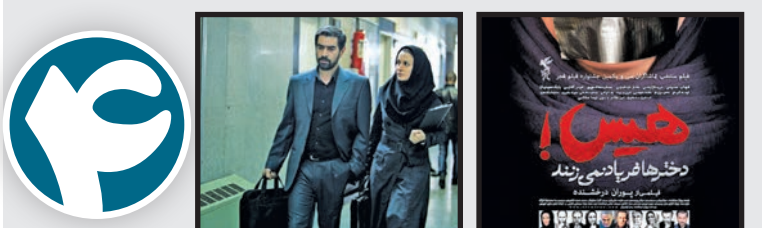
«اکسیدان» دیگر فیلم کم‌دی این‌روزهاست که با تحریم سینماهای حوزه هنری روبه‌رو شده و بعد از گذشت دو هفته از اکرانش، مرز یک‌ونیم میلیارد را رد کرده است. احتمالاً در روزهای آینده، «اکسیدان» بتواند روند فروش بالای خود را حفظ کند تا بیشتر به این موضوع پی ببریم که مردم نیازمند فیلم‌های کم‌دی در سینماها هستند و اولین هدفشان برای رفتن به سالن‌ها، تفریح است و بس.



«حمید نعمت‌الله» که با «رگ خواب» توانست کلی منتقدان را به‌وجد بیاورد، اکران تقریباً موفق‌تری را هم تجربه می‌کند. دو هفته اکران و یک‌ونیم میلیارد فروش برای فیلمی که تنها «لیلا حاتم‌ی» را دارد و موضوعش هم درام تقریباً تلخی است، امیدوارکننده است. درمورد رگ خواب که بهترین فیلم حال‌حاضر روی پرده‌های سینماست، بیشتر در «هشت» خواهیم نوشت.



پوران درخشنده که فیلم موفق «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» را در کارنامه خود دارد، به هیچ‌عنوان نتوانست انتظارات را با ساخته جدید خود یعنی «زیر سقف دودی» برآورده کند. ۴هفته گذشت و این فیلم به‌زور توانست خودش را از مرز یک‌میلیارد عبور دهد؛ فیلمی که کاندیدای بهترین فیلم جشنواره سال قبل شد و کسی نفهمید که دقیقاً برای چه موضوعی این اتفاق افتاد!



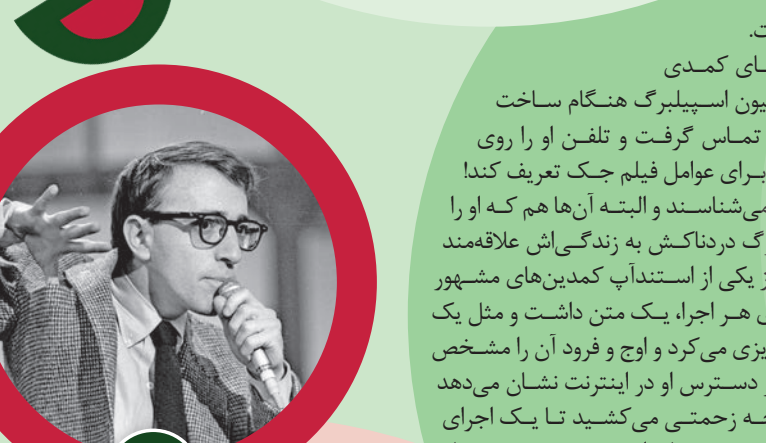
«مادر قلب اتمی» که به کمک حواشی، توانست یک افتتاحیه خوب برای هفته اول اکرانش تجربه کند، طبق پیش‌بینی به‌دلیل موضوع خاص فیلم و البته ارجاعات عجیب و غریبش با اقت شدید فروش همراه شد. فیلم علی احمدزاده بعد از گذشت هفته‌ای از اکران، به فروش یک‌میلیاردی رسیده است.



سید محمود رضوی که با تهیه دو فیلم «سیانور» و «ماجرای نیمروز» نشان داد علاقه بسیاری به ساخت فیلم‌های تاریخی درمورد جنایات گروه مجاهدین خلق دارد، هفته گذشته از ساخت سومین فیلم سینمایی‌اش با موضوع اقدامات منافقین خبر داد



استندآپ کم‌دی یا همان کم‌دی ایستاده یکی از پرکاربردترین مدل‌های خنداندن مردم در دنیای امروز است. کافی است نگاهی به مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیونی شبکه‌های معتبر انگلیسی زبان بیندازید تا متوجه شوید یک مجری در برنامه‌های طنز، بیشترین بار طنز برنامه را بر دوش دارد و همین موضوع باعث شده که برنامه‌های تلویزیونی طنز در دنیا با مجری‌ها و اصطلاحاً شومن‌هایشان شناخته شوند. پای ثابت مراسم اسکار، گلدن گلاب، گرمی و... نیز که از معتبرترین مراسم‌های هنری دنیا محسوب می‌شوند، استفاده از یک کم‌دین برای اجرای استندآپ کم‌دی در برنامه است. جالب اینجاست که جنگ‌ها نقش مهمی در گسترش این کم‌دی‌ها داشتند؛ این نوع کم‌دی نیاز به هیچ وسیله‌ای نداشت و کم‌دین به‌تنهایی و با لباس معمول، تنها یک میکروفون می‌خواست تا صدایش را به گوش همه برساند. بنابراین در اردوگاه‌های نظامی بسیار پرطرفدار بودند و امکان اجرا برایشان بسیار فراهم بود. مثلاً در جنگ ویتنام، باب هوپ که یک ستاره کم‌دی بود، بارها به پایگاه‌های آمریکایی‌ها سفر کرد و شهرتش بعد از این سفرها بیشتر هم شد. او معمولاً درباره محرومیت‌های سربازان حرف می‌زد و تلاش می‌کرد به‌نوعی فضای باشگاه‌های شبانه آمریکایی را بازسازی کند. استندآپ کم‌دی در غرب بیشتر بر پایه شوخی‌های نزدیک به واقعیت پیش می‌رود و کم‌دین سعی می‌کند داستان‌هایی را تعریف کند که علاوه‌بر داشتن بار اجتماعی، در ذهن مخاطب به اتفاقات واقعی نزدیک‌تر باشد. حالا این را بگذارید کنار بسیاری از شوخی‌ها و لطیفه‌های ایرانی که خالق آن را مجبور می‌کند برای خنداندن مردم، از عنصر اغراق استفاده کند.



ولیامز یکی از شناخته‌شده‌ترین استندآپ کم‌دین‌ها برای نسل فعلی جوانان است. کسانی که بارها و بارها او را در فیلم‌های کم‌دی خارجی دیده‌اند، می‌گویند استیون اسپیلبرگ هنگام ساخت فهرست شیندلر، بارها با او تماس گرفت و تلفن او را روی بلندگو گذاشت تا ولیامز برای عوامل فیلم جک تعریف کند! او را با فیلم‌های کم‌دی می‌شناسند و البته آن‌ها هم که او را جدی نمی‌گرفتند با مرگ دردناکش به زندگی‌اش علاقه‌مند شدند. اما رایبن ولیامز یکی از استندآپ کم‌دین‌های مشهور آمریکایی بود که برای هر اجرا، یک متن داشت و مثل یک تئاتر برای آن برنامه‌ریزی می‌کرد و اوج و فرود آن را مشخص می‌کرد. اجراهای در دسترس او در اینترنت نشان می‌دهد که رایبن ولیامز چه زحمتی می‌کشید تا یک اجرای خوب داشته باشد. او در دهه‌های اخیر بیشتر در سینما فعال بود و در دهه نود و دهه اول قرن ۲۱، گهگاه در تلویزیون برنامه‌هایی اجرا می‌کرد. از او به‌عنوان یک چهره تأثیرگذار در استندآپ کم‌دی نام می‌برند.

احتمالاً برایتان جالب باشد که بدانید وودی آلن، کارگردان و نویسنده صاحب‌نام نیز کار خودش را با استندآپ آغاز کرده و حسابی در این حرفه هم صاحب‌نام است. او کارش را با نوشتن متن‌های کوتاه طنز برای مطبوعات آغاز کرد، اما کمی بعد به‌عنوان نویسنده طنز برای کم‌دینی به نام دیوید آلبر متن نوشت. کمی بعد نیز به تلویزیون راه پیدا کرد و بعد از گذشت ۵سال وارد عرصه بازیگری شد. در دهه شصت او وارد حرفه استندآپ کم‌دی شد. وودی آلن را شلی برمن به‌عنوان «نویسنده تلویزیونی که طنز مختص به خودش دارد» معرفی کرد. شهرت او به‌خاطر استفاده از بیان آرام، لباس‌های معمولی و موضوعات روزمره بود. شوخی‌هایش از تجربه‌های شخصی‌اش می‌آمد که با یک پیچ کمیک، آن را جذاب می‌کرد. بعدها این نوع بیان را به نحوه بیان آدمی عصبی که تحت‌فشار جامعه بود تغییر داد و به‌خصوص در اجراهای تلویزیونی‌اش، شخصیت دستپاچه و گاه ترسانی را نشان می‌داد که می‌ترسید طرد شود. او با این نوع کم‌دی، برنامه‌ای داشت به نام شوی «ودوی آلن» که تا ۱۹۶۸ آن را اجرا می‌کرد؛ درست تا روزهایی که درگیر ساخت «پول رو بردار و فرار کن» شده بود. او مدت‌هاست که استندآپ کم‌دی اجرا نمی‌کند، اما در نمایشنامه‌ها و فیلم‌هایش هنوز هم آن نوع طنز به چشم می‌خورد.



«استندآپ کم‌دی» هنری که دارد به بیراهه می‌رود

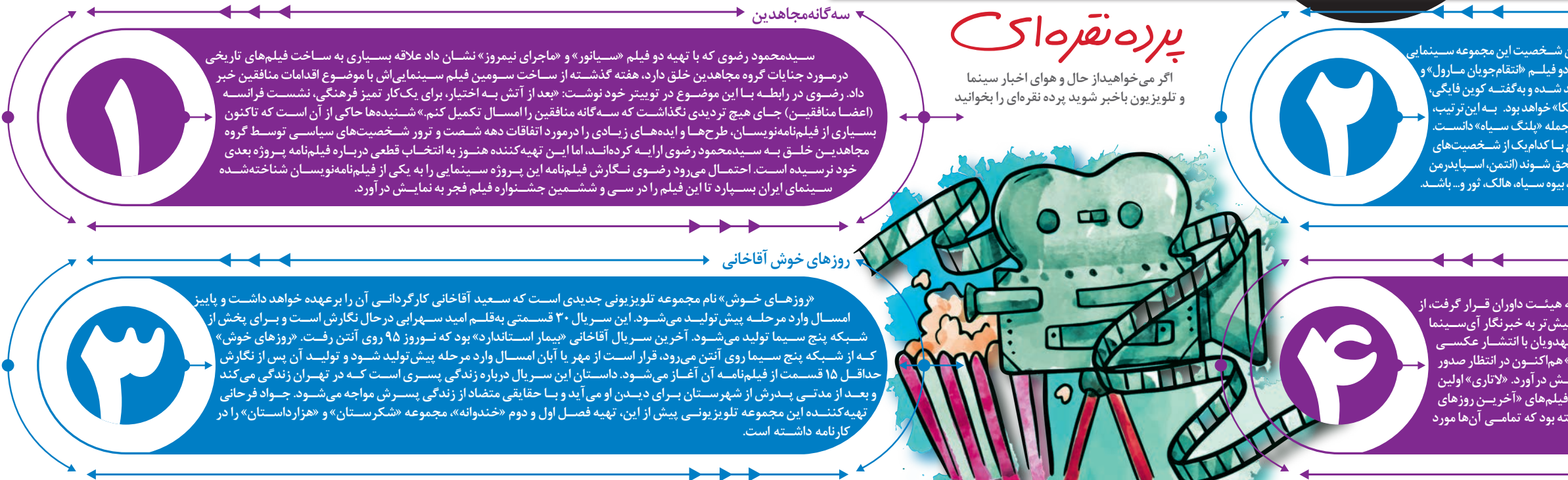
خندوانه

ن روزها به‌خاطر «خندوانه» مورد توجه مردم قرار گرفته است، با مدل ساده‌ای از هنر خنداندن که با خاطرات روزانه‌مان شاد کنیم مسیرش را در کشورمان به خطا پیش گرفته است و دیر نیست که این روش خنداندن کار را به جاهای باریکی کشد که به قول قدیمی‌ها نتوان جمع و جورش کرد. آدم‌هایی که به‌عنوان کم‌دین در خندوانه می‌آیند و استندآپ می‌کنند، عملاً کاری جز تولید دوباره اتفاقات روزمره با اندکی چاشنی فانتزی و اغراق انجام نمی‌دهند، هرچند آن هم به‌جای خاطره، لطیفه تعریف می‌کنند و البته برای خنداندن مردم به جای طنز وارد فضای هجو شد. خلاصه ابزارشان هرچه هست، در دست ما هم هست. برای آن که بیشتر با این هنر آشنا شویم و در کی‌مان پیداهاش کنیم، می‌خواهیم کمی بیشتر درمورد استندآپ باهم حرف بزنیم.

رایبن ولیامز

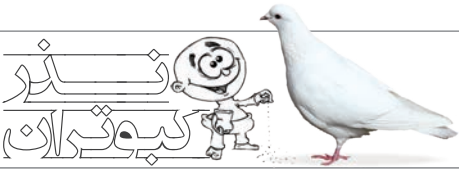


ولیامز یکی از شناخته‌شده‌ترین استندآپ کم‌دین‌ها برای نسل فعلی جوانان است. کسانی که بارها و بارها او را در فیلم‌های کم‌دی خارجی دیده‌اند، می‌گویند استیون اسپیلبرگ هنگام ساخت فهرست شیندلر، بارها با او تماس گرفت و تلفن او را روی بلندگو گذاشت تا ولیامز برای عوامل فیلم جک تعریف کند! او را با فیلم‌های کم‌دی می‌شناسند و البته آن‌ها هم که او را جدی نمی‌گرفتند با مرگ دردناکش به زندگی‌اش علاقه‌مند شدند. اما رایبن ولیامز یکی از استندآپ کم‌دین‌های مشهور آمریکایی بود که برای هر اجرا، یک متن داشت و مثل یک تئاتر برای آن برنامه‌ریزی می‌کرد و اوج و فرود آن را مشخص می‌کرد. اجراهای در دسترس او در اینترنت نشان می‌دهد که رایبن ولیامز چه زحمتی می‌کشید تا یک اجرای خوب داشته باشد. او در دهه‌های اخیر بیشتر در سینما فعال بود و در دهه نود و دهه اول قرن ۲۱، گهگاه در تلویزیون برنامه‌هایی اجرا می‌کرد. از او به‌عنوان یک چهره تأثیرگذار در استندآپ کم‌دی نام می‌برند.



اگر امام رثوف است، بس كه همواره به سینه دغدغه مشكلات مردم داشت براي رزق همه كپوتران شهر حیات خانه آقا همیشه گندم داشت

همیشه باغ لبش غنچه تبسم داشت كه خنده به لب نورانی اش تفاهم داشت همه عمر شرفش، مكارم الاخلاق به لحظه لحظه اوقات او تجسم داشت



جشنواره گل محمدی در اسکو
جشنواره گل محمدی شهرستان اسکو در روستای عنصرود استان آذربایجان شرقی بر گزار شد.



📖 **فصلنامه صمیمیه** الان رسید

هدیه هشتاپه ها

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می رسییم.
پست الکترونیکی ما، hodhod8@kpf-khr.ir

نامه عضو مرکز آفرینش های ادبی:

سلام، ممنونم که نوشته ام را خواندید. از هدیه تان هم تشکر می کنم. من می خواهم برای کودکان داستان بنویسم. این داستان را برای خواهر کوچکترم نوشته ام. به نظر تان می توانم برای کودکان هم داستان بنویسم؟

کشاورز، پسران و گوسفندان



روزی از روزها کشاورز پیروی در مزرعه خود مشغول کار بود. کشاورز از فروش محصولات خود پول «کلونی» به دست می آورد. برای همین دام های زیادی داشت. کشاورز دو فرزند پسر داشت که یکی از آن ها بسیار باهوش و دیگری بسیار تنبل بود. او با خودش نقشه ای کشید تا فرزندانش را امتحان کند. او دام ها را به دو نسبت مساوی تقسیم کرد و به پسرانش داد. کشاورز به هر دو پسرش گفت: فرزندان عزیزم خوب به حرف هایی که می خواهم بگویم گوش کنید. هر دوی شما وظیفه دارید تا از این گوسفندان نگهداری کنید. هر دو پسر پذیرفتند و با دام هایشان به سوی چراگاه های خود رفتند. پسر اول برای این که زحمات پدرش هدر نرود، در اطراف چراگاه حصاری بست تا اگر خدایی نکرده اتفاقی افتاد، گوسفندان در امان باشند. اما پسر دوم گوسفندان را در حال چریدن رها کرده بود و خود به تنه درخت کاج تکیه کرده بود.

این وضع گذشت تا روز دوم. پسر اول صبح زود بیدار شد، قرص نان را در بقیه خود گذاشت و دام ها را راهی چراگاه کرد. پسر دوم نزدیک ظهر بیدار شد. بدون هیچ برنامه ای با دام هایش به سمت چراگاهش رفت. پسر اول، ظهر که شد قرص نانی را که برداشته بود، از داخل بقیه در آورد و با بسم الله گفتن شروع به خوردن کرد. وای از روزگار پسر دوم... موقع ناهار که شده بود، چیزی نبود که بخورد. آن اطراف هم هیچ چیزی نبود. مداوم قدم می زد و با خودش زمزمه می کرد: چه کنم؟ گرسنه ام، دارم ضعف می کنم. در همین حال و هوا چشمش به گوسفندان افتاد. با خودش گفت: «اگر یکی از آن ها را بخورم، مشکلی پیش نمی آید. اصلا اگر من نکم، چه کسی می خواهد بفهمد؟» آتشش به پا کرد و یکی از گوسفندان را کباب کرد و خورد. نزدیک غروب هر دو پسر دام ها را راهی پناهگاه کردند و به خانه بازگشتند. این اوضاع گوسفندخوری ادامه داشت، تا زمانی که کشاورز هر روز مشاهده می کرد که گوسفندان پسر دوم «کم» می شوند و گوسفندان پسر اول «زیاد». کم کم به هر دو پسرش شک کرد. رفت تا از هر دو پسرش بپرسد که چه اتفاقی افتاده است. پدر وارد کلبه شد و از هر دو پسرش خواست به نزد او بروند. پدر پرسید: فرزندان عزیزم! مدتی است اتفاقات عجیبی می افتد. می خواهم بدانم چرا تعداد گوسفندان کم و زیاد شده است؟ پسر اول گفت: پدر جان! چندی پیش چهارتا از گوسفندانمان، ما را صاحب «بره های» زیبایی کردند. «از بر این اتفاق» گوسفندانمان زیاد شده اند. پدر خیلی خوشحال شد و به پسر اولش آفرین گفت و ادامه داد: پسر عزیزم! حال تو بگو چرا تعداد گوسفندان تو کم شده است؟ پسر دوم که نمی توانست واقعیت را بگوید، به دروغ گفت: پدر جان! من نزد شما شرمندم. الان مدتی است که چند گرگ درنده به گوسفندان حمله می کنند و آن ها را می درند. کشاورز خیلی غمگین شد و به هر دوی آن ها گفت: بسیار خوب فرزندانم! بروید برای فردا استراحت کنید. پسران که رفتند، پدر کمی به پسر دومش شک کرد. مدام با خودش می گفت: یعنی راست می گوید؟ واقعیت را بیان می کند؟ کشاورز تصمیم گرفت پسرش را زیر نظر بگیرد.

روز بعد وقتی هر دو پسرش به چراگاه رفتند، کشاورز پنهانی همراه آن ها رفت و همه ماجرا را دید. کشاورز از این که پسر دومش به او دروغ گفته بود، خیلی غمگین شد. نزدیک غروب وقتی پسر ها به خانه برگشتند، پدر که از همه چیز خبر داشت، گوسفندان را از پسر دومش گرفت و به پسر اولش داد. او ناراحت و غمگین به پسر دومش گفت: هر آن کس که نان مفت می خواهد و خورد و خوراک مجانی، در هیچ جا خانه و مکان و کاری ندارد. برو کار کن و «نانی از بر زحمات» خویش به دست آور، تا بتوانی زندگی ساده ای برای خودت فراهم کنی. پسر اول با شادی و خوشحالی در کنار پدرش همیشه کار می کرد و چوپانی و کشاورزی می کرد و زندگی راحت و آرامی برای خودش ساخته بود. پسر دوم هم پشیمان و ناامید تا آخر عمرش دست از تنبلی می کشد و کار می کند.



قاسم رفیعا

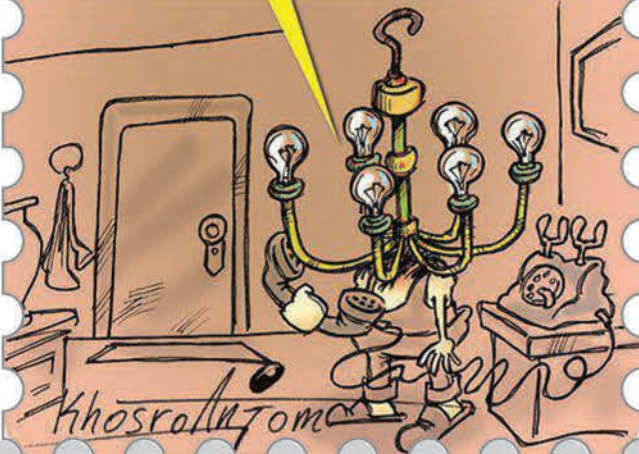
یادداشت های یک جوان قدیم خانه بالادرختی

من و تقی عشق اسب داشتیم. قرار گذاشته بودیم بزرگ که شدیم، یک اسب بخریم و باهاش دنیا را بگردیم. خانه بالادرختی درست کرده بودیم. زیرسازیش را با چوب و تخته بین شاخه های متعدد چنار درآورده بودیم و یک کارت بن بزرگ یخچال را برده بودیم آن بالا و شده بود خانه بالادرختی ما. از خانه بالادرختی به خانه ما و خانه آن ها و بالای صخره ها تلفن نمی کشیده بودیم و این جوری با هم در تماس بودیم.

همیشه یادمان می رفت که پدر و مادر داریم و آن ها از ما می خواهند ظهر و شب سر سفره باشیم. وقتی می رفتیم فوتبال، کلا ناهار و شام یادمان می رفت. مادر من زیاد به من سخت نمی گرفت، ولی پدر و مادر تقی می خواستند پسرشان را درست تربیت کنند، برای همین از دستش که عصبانی می شدند، با شیلنگ می افتادند به جانش! سروصدایش به خانه ما می آمد و مادرم با غضب به من نگاه می کرد و سیدهای ارغوانی (چلو صافی) را با فشار بیشتر می بافت. فقط با غضب به من نگاه می کرد و به گفت و گوی مادر تقی که درحال کتک زدن او بود گوش می داد. به محض این که مادرش یا خودش اسم مرا به هر دلیلی به زبان می آوردند، یک مشت ارغوان برمی داشت و می افتاد به جان من. غروب وقتی همه چیز آرام می شد و ما کتکمان را می خوردیم، صدای خروس درمی آوردیم (علامت ما صدای خروس بود) و می رفتیم توی خانه بالادرختی و او رد کبودشده شیلنگ را به من نشان می داد و من رد ارغوان را. رد شیلنگ کلفت بود و رد ارغوان نازک. یک شب باران سختی آمد و خانه بالادرختی را محاله کرد و انداخت پایین. تخته هایش اما هنوز بعد از سی سال روی درخت مانده!

در آپارتمان با فرزندتان کشتی نگیرید...

الو؟ آقا فریدون؟
آروم تر سالتو بزَن؛ لوسترمون کنده شد!



داشتن مغز دلیل قطعی برای انسان بودن نیست!
پسته و گردو هم مغز دارند! برای انسان بودن باید «شعور» داشت!

استاد بزرگ

دانشمندان هنوز کشف نکرده اند که

چرا بعضی ها وقتی یکی از جای دور بهشون تلفن می زنه، با داد حرف می زنند؟

خوشمزه خان

انقدر هوا گرمه که هر وقت می خوام برم بیرون به گونی سیب زمینی هم با خودم می برم حداقل سیب زمینی آتیشی بزنم.

خوشمزه خان

هر آدمی تو زندگیش بالاخره به روز به یک نقطه ای می رسه، نقطه رو پاک می کنه ویرگول می ذاره و به زندگی باتمک خودش ادامه می ده.

خوشمزه خان

پشه ها رو دست به سینه رو میل نشوندم، دارم براشون توضیح می دم که بیرون از خونه ما هم کلی آدم هست، برید دنیای جدیدی رو تجربه کنید لطفا!

آقای همسایه

از طرف می پرسن تو از خانمت می ترسی؟
می گه، کی؟ من؟ هه! چرا بترسم؟
لیاس ها رو آتو کردم، ظرف ها رو هم شستم، گردگیریم هم تموم شده، بچه رو هم عوض کردم، دیگه از چی بترسم؟
کسی می ترسه که کاراش موندۀ باشه!

خوشمزه خان

از خواب پا شدم، دیدم کسی خونه نیست.

زنگ زدم به مامانم، می بینم صدای جیغ و داد و سوت میاد. می گم: کجایی؟
مامانم با خوشحالی: ما اومدیم شهر بازی، تو مگه باهامون نیستی؟

پسر آقای همساده

اگر اونی که برای اولین بار غذای شیرین درست کرد رو مجازات می کردن حالا ما شاهد چنین وضعیتی نبودیم.

خپل خان

آدم ناهار که می خوره تقریباً ۸۰ درصد دغدغه هاش مرتفع می شه. می مونه به ۲۰ درصد دیگه که اونم با خواب حل می شه.

خوشمزه خان

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف های خوشمزه زدن است.